



## فهرست مطالب

۹	.....مقدمه
۱۵	.....من می‌جنگم
۱۶	.....آرزوی جنگیدن در کنار او
۱۹	.....من پاسدارم!
۲۲	.....پوتین ایرانی پای عراقی!
۲۴	.....۴ تانک سوخته
۲۷	.....یک خاطره‌ی محرمانه
۲۹	.....تظاهرات
۳۲	.....مهیای مبارزه
۳۳	.....به خاطر خدا صبر کنید
۳۵	.....لحظه‌ی حساس
۳۷	.....از همه جلوتر
۳۹	.....بدون ترس
۴۰	.....کمک آر.پی.جی زن
۴۲	.....جرأت
۴۳	.....عبدالله قصاب
۴۷	.....یک قدم عقب‌نشینی نمی‌کنم
۴۸	.....حمل مهمات
۴۹	.....عملیات

۵۱	..... ساواکی
۵۲	..... شرکت در دعای کمیل
۵۴	..... عبور از میدان مین
۵۶	..... پیش توأبین می خوابیم!
۶۴	..... گوشش را می گیرم می آورم!
۶۶	..... تغییر جهت خمپاره انداز!
۶۷	..... گویی اتفاقی نیفتاده است!
۶۹	..... یک مرد چگونه باید باشد
۷۳	..... حتماً باید بیایم
۷۴	..... حمله ی بی باکانه
۷۷	..... آن شب زمستانی
۸۰	..... ماجرای گوجه فرنگی و پیشانی!
۸۲	..... بلندشو برادر
۸۴	..... تبعیدی ها
۸۵	..... موشک برسانید!
۸۸	..... تیر در گلو به رزم ادامه داد!
۹۰	..... اکنون وقت استراحت نیست
۹۴	..... رزمندگان را از مهلکه نجات می داد
۹۶	..... من با موتور می روم!
۹۸	..... ترس در وجود او نبود
۱۰۱	..... فقط از حمید برمی آمد
۱۰۳	..... کار تمام شد!
۱۰۵	..... رفتم وسط شهر مهاباد برای بحث با تندروهای حزب!
۱۰۸	..... بعد از سه شبانه روز نخوابیدن، مهمات برد برای خط!
۱۱۰	..... در فضای تمسخر، نماز را آشکارا خواند
۱۱۴	..... دشمن را از نزدیک هدف قرار داد

- آتش ضدانقلاب را خاموش کردند..... ۱۱۷
- با پای مجروح و اسلحه‌های خالی، بر پشت یک عراقی، اسرا  
را به خط خودی آورد!!..... ۱۱۹
- از خمپاره و توپ نمی‌ترسید..... ۱۲۳
- به عقب برنگشت..... ۱۲۵
- به نیروها جسارت می‌بخشید..... ۱۲۸
- زنیورها!!..... ۱۳۱
- اسمت چیست؟..... ۱۳۳
- به او حتی نگاه هم نکرد!..... ۱۳۴
- عمّامه‌ی ما کفن ماست!..... ۱۳۶
- به همه جا سرکشی می‌کرد..... ۱۳۸
- اینها عددی نیستند..... ۱۳۹
- منابع..... ۱۴۱





## مقدمه

### شجاعت چیست؟

شجاعت در لغت به معنای قوی دل، سریع النقل و با جرأت بودن در هنگام جنگ است. کسی که در شدت جنگ است، کسی که در شدت جنگ، پُر دل و سبک پر باشد و به آسانی اقدام کند، در میان مردم شجاع خوانده میشود<sup>۱</sup>.

شجاعت ضد جُبْن (ترسوئی) است. جُبْن در طرف تفریط شجاعت است، یعنی در موارد شایسته ی اقدام، انسان هیچ جنبش و حرکتی نکند. در طرف افراط شجاعت نیز تهوّر است، یعنی در جایی که عقل و شرع منع می کند، اقدام نماید<sup>۲</sup>. شجاعت از شریف ترین ملکات نفسانی است و اگر با تقوا و طهارت باطنی همراه باشد، امتیازی جاودانه به شمار می آید. صبر، استقامت، شدت و قاطعیت از

---

۱ - مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۸۵، لغت نامه ی دهخدا، ج ۹، ص ۱۲۴۹۷.

۲ - جامع السادات، ج ۱، ص ۲۴۲.

نشانه‌های شجاعت هستند.

«یک آدم شجاع وقتی حق را دید و شناخت، دنبال می‌کند. از چیزی نمی‌هراسد و رودر بایستی، مانع او نمی‌شود. خودخواهی مانع او نمی‌شود. عظمت جبهه‌ی دشمن یا مخالف، مانع او نمی‌شود؛ شجاع است!

یک آدم غیرشجاع، نه!

بحث این است که گاهی بنای حقیقت، با عدم شجاعت انسان‌ها - به خصوص اگر دارای منزلت و مرتبه‌ای در جامعه باشند - فرو می‌ریزد!

گاهی حقی به خاطر عدم شجاعت یک انسان، ناحق می‌شود. یا باطلی به خاطر عدم شجاعت یک انسان که باید اظهار نظر کند، حق می‌شود...

امیرالمؤمنین (علیه السلام) که در میدان جنگ، خود بزرگ‌ترین شجاعان بود، هرگز به هیچ دشمنی پشت نکرد. این چیز کمی نیست. داستانش در جنگ خندق - که همه به خود لرزیدند و او جلو رفت - داستانش در فتح خیبر، در اُحد، در جنگ بدر و در حنین، هر یک از اینها را که شما نگاه کنید، امیرالمؤمنین (علیه السلام) را می‌بینید.

در بعضی از این جاها بیست و چهار ساله بوده. در بعضی جاها بیست و پنج ساله، یا سی ساله بوده

است.

یک جوان بیست و هفت، بیست و هشت ساله، با شجاعت خود در میدان جنگ، اسلام را پیروز کرد و آن عظمت‌ها را آفرید!»<sup>۱</sup>

وقتی سخن از اشجع شجاعان به میان می‌آید، تمام بشریت انگشت اشارت خود را به سمت قلّه‌ی شجاعت، یعنی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام می‌گیرند. اما جالب این جاست که خود حضرت می‌فرماید: «هر موقع کار جنگ بر ما سخت و دشوار می‌آمد، به رسول خدا (صلی الله علیه) پناه می‌بردیم و هیچ‌کس از آن حضرت به دشمن نزدیک‌تر نبود!»<sup>۲</sup> به راستی شجاعت چیست که هر چه قلّه‌ی ایمان مرتفع‌تر می‌شود، آن نیز اشجع‌تر و هر چه ایمان ضعیف‌تر، آدمی، ترسو تر!

و اگر چنین است، پس بی‌باکی اشرار ناشی از چیست؟

کودکان، دیوانگان، افراد مست و لایعقل و شرور به راحتی خطر می‌کنند و در این راه تا باختن جان به پیش می‌تازند.

در مقابل، مجاهدان فی سبیل الله نیز در محضر

---

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

در خطبه‌های نمازی جمعه تهران، در تاریخ ۱۳۷۴/۱۱/۲۰.

۲- آشنایی با شیوه زندگانی پیامبر اسلام (سیره‌ی نبوی)، ص ۶۱.

کبریا با جان خود عشق‌بازی می‌کنند.

بین این دو جان باختن چه تفاوتی است و حد  
میان آن دو چیست؟

تجربه نشان داده، انسان‌های بی عقل و خرد از  
هراس و واهمه دورند، ترس به دل راه نمی‌دهند.  
کودک تا وقتی مفهوم خطر را نمی‌داند، به راحتی پا  
در تاریکی می‌گذارد، به سمت آتش می‌رود و از  
جانوران موذی پرهیز نمی‌کند.

انسان‌های شرور نیز چون فاقد عقل و خرد  
هستند، خطر گستاخی در برابر قادر بی‌انتها را درک  
نمی‌کنند. لذا خطر کردن این قبیل افراد، شجاعت  
نیست، بلکه بی‌باکی و بی‌خردی است. اما جرأت و  
جسارت مؤمن، شجاعت است.

حد وسط این دو، ترس از خدا و خلق خداست  
که ناشی از ضعف ایمان و شرک عملی است.  
انسان شرور از خدا نمی‌ترسد و انسان مجاهد، از  
غیر خدا.

تیغ شرور، تیغ جرح است برای تخریب، اما تیغ  
مجاهد، تیغ جراحی است برای اصلاح.

شرور، خوبی‌ها را می‌زداید و مجاهد، بدی‌ها را.  
شرور برای نفس، تیغ می‌کشد و مجاهد علیه  
نفس.



پس، از شرارت تا مجاهدت و شجاعت تا  
بی‌باکی، فرقی است در حد رحمان تا شیطان.  
این خاطرات رحمانی را بخوانید. جرأت،  
جسارت و شجاعت شهیدان دفاع مقدس وقتی  
زیباست که رشحاتی از "اشداء علی الکفار و رحماء  
بینهم" به عینه در اعمال و رفتارشان هویدا است.

مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت